

تنها ۱۰ درصد ایرانی ها کارت اهدای عضو دارند

خاک سپاری سالانه ۶ هزار ارگان قابل اهدا



ایران، رتبه اول آسیا در اهدای عضو

تاریخچه پیوند اعضا و تنسوج در ایران به سال ۱۳۱۴ بازمی‌گردد، در آن سال قرنیه یک بیمار در یکی از بیمارستان‌های تهران پیونده زده شد. فقط کلیه نخستین بار در سال ۱۳۴۷ پیوند سایر اعضا و تنسوج به تدریج در دهه ۵۰ و ۶۰ صورت گرفت و در سال ۱۳۷۲ اولین پیوند قلب و اولین پیوند کبد در ایران انجام شد. حالاً ایران یکی از کشورهای است که در زمینه پیوند عضو حرفی برای گفتن دارد و سالانه عمل‌های پیوند زیادی در ایران انجام می‌شود.

به گفته نجفی زاده ایران امکان انجام انواع و اقسام پیوند عضو را در کشور دارد و بیماران نیازی نیست که از کشور خارج شوند این در حالی است که بسیاری از کشورها این امکان را ندارند. به گفته او، ایران در آسپار رتبه اول اهدای عضو از مرگ مغزی ایستاده است و این جای افتخار دارد.

نقش فرهنگ سازی در بالا رفتن میزان اهدای عضو
جائفتان فرهنگ اهدای عضو در هر کشور و جامعه‌ای بیش از همه به فرهنگ سازی نیاز دارد. بسیاری از کشورها توانسته‌اند فرهنگ اهدای عضو بلافاصله پس از تأیید مرگ مغزی

شناسی برای احیا و بازگشت دوباره به زندگی وجود ندارد و تنها تفاوت فرد مرگ مغزی شده با کسی که مرگ قلبی شده این است که افراد مرگ مغزی شده می‌توانند با کمک دستگاه‌های پزشکی فقط تنفس کنند، در غیر این صورت به محض جدا کردن فرد از دستگاه، زندگی برای او به پایان می‌رسد.

پس از بروز حادثه و گذشت زمانی نه چندان طولانی به دلیل پدیده انتقال مجاورت سموم مغز فاسد شده و ۸۰۰ نوع سم از خود تولید می‌کند. در صورت کندی یا عدم انتقال اعضا، سموم به تدریج سایر اعضای سالم بدن را که امکان انتقال به بدن دیگری را دارند را هم مسموم می‌کند. هر فرد ضربه مغزی شده می‌تواند ۸ عضو مهم و حیاتی خود را به افراد نیازمند اهدا کند.

۲ ریه، ۲ کلیه، قلب، کبد، روده کوچک و لوزالمعده، ۱ تا ۵۳ نخاع جمله قرنیه، پوست، تاندون، استخوان و... می‌توانند افرادی را از مرگ و عده‌ای را از معلولیت نجات دهند.

طبق گفته پزشکان هر عضو برای پیوند یک زمان طلایی دارد. زمان طلایی برای انتقال ریه‌ها نهایتاً ۲۴ ساعت و این زمان برای قلب ۴۷ تا ۷۲ ساعت است. در نتیجه پروسه رضایت‌گیری و جراحی باید زیر ۲۴ ساعت انجام شود.

هزار نفر زیر خاک می‌روند، این ۲ هزار نفر حتی اگر سه‌ارگان را یا خود زیر خاک ببرند یعنی در پایان سال ۶ هزار ارگان خاک‌سپاری شده است. به صورت دقیق در سال گذشته ۷ هزار و ۲۳۰ ارگان دفن شده است. این در حالی است که اگر فقط ۵۰ درصد از ارگان‌های زیر خاک رفته به ۳ هزار نفری که در پایان سال جان می‌بازند برسد، آن‌ها می‌توانند زندگی دوباره داشته باشند.

یکی از مشکلاتی که باعث می‌شود عضو پیوندی در ایران کم باشد و چیزی حدود ۲۵ هزار نفر در لیست دریافت عضو قرار بگیرند این است که هنوز بسیاری از مردم نمی‌دانند مرگ مغزی، مرگ قطعی است و با کم‌ترین تفاوت در مرگ مغزی مانند مرگ قلبی هیچ از دست می‌دهد.

خاک‌سپاری ۶ هزار ارگان قابل اهدا در سال

به گفته کتابیون نجفی زاده، مدیر عامل انجمن اهدای عضو ایرانیان سالانه حدود ۶ تا ۷ هزار عضو قابل اهدای ارزشمند که نمی‌شود قیمت برای آن گذاشت، زیر خاک می‌رود.

بر اساس آمارهای ارائه شده توسط انجمن اهدای عضو ایرانیان، سالانه ۸ تا ۱۰ هزار نفر بر اثر مرگ مغزی فوت می‌کنند در حالی که اعضای بدن ۳ هزار نفر از آن‌ها قابل اهدا است. از این ۳ هزار نفر تنها ۱۰۰۰ نفر به اهدا می‌رسند و ۲

هزار نفر زیر خاک می‌روند، این ۲ هزار نفر حتی اگر سه‌ارگان را یا خود زیر خاک ببرند یعنی در پایان سال ۶ هزار ارگان خاک‌سپاری شده است. به صورت دقیق در سال گذشته ۷ هزار و ۲۳۰ ارگان دفن شده است. این در حالی است که اگر فقط ۵۰ درصد از ارگان‌های زیر خاک رفته به ۳ هزار نفری که در پایان سال جان می‌بازند برسد، آن‌ها می‌توانند زندگی دوباره داشته باشند.

یکی از مشکلاتی که باعث می‌شود عضو پیوندی در ایران کم باشد و چیزی حدود ۲۵ هزار نفر در لیست دریافت عضو قرار بگیرند این است که هنوز بسیاری از مردم نمی‌دانند مرگ مغزی، مرگ قطعی است و با کم‌ترین تفاوت در مرگ مغزی مانند مرگ قلبی هیچ از دست می‌دهد.

خاک‌سپاری ۶ هزار ارگان قابل اهدا در سال

به گفته کتابیون نجفی زاده، مدیر عامل انجمن اهدای عضو ایرانیان سالانه حدود ۶ تا ۷ هزار عضو قابل اهدای ارزشمند که نمی‌شود قیمت برای آن گذاشت، زیر خاک می‌رود.

بر اساس آمارهای ارائه شده توسط انجمن اهدای عضو ایرانیان، سالانه ۸ تا ۱۰ هزار نفر بر اثر مرگ مغزی فوت می‌کنند در حالی که اعضای بدن ۳ هزار نفر از آن‌ها قابل اهدا است. از این ۳ هزار نفر تنها ۱۰۰۰ نفر به اهدا می‌رسند و ۲

خاک‌سپاری ۶ هزار ارگان قابل اهدا در سال

به گفته کتابیون نجفی زاده، مدیر عامل انجمن اهدای عضو ایرانیان سالانه حدود ۶ تا ۷ هزار عضو قابل اهدای ارزشمند که نمی‌شود قیمت برای آن گذاشت، زیر خاک می‌رود.

بر اساس آمارهای ارائه شده توسط انجمن اهدای عضو ایرانیان، سالانه ۸ تا ۱۰ هزار نفر بر اثر مرگ مغزی فوت می‌کنند در حالی که اعضای بدن ۳ هزار نفر از آن‌ها قابل اهدا است. از این ۳ هزار نفر تنها ۱۰۰۰ نفر به اهدا می‌رسند و ۲

خاک‌سپاری ۶ هزار ارگان قابل اهدا در سال

به گفته کتابیون نجفی زاده، مدیر عامل انجمن اهدای عضو ایرانیان سالانه حدود ۶ تا ۷ هزار عضو قابل اهدای ارزشمند که نمی‌شود قیمت برای آن گذاشت، زیر خاک می‌رود.

بر اساس آمارهای ارائه شده توسط انجمن اهدای عضو ایرانیان، سالانه ۸ تا ۱۰ هزار نفر بر اثر مرگ مغزی فوت می‌کنند در حالی که اعضای بدن ۳ هزار نفر از آن‌ها قابل اهدا است. از این ۳ هزار نفر تنها ۱۰۰۰ نفر به اهدا می‌رسند و ۲



ریحانه جولایی

اهدای عضو، اهدای عضو، اهدای عضو، بیماری است که به دلایلی همچون ابتلا به بیماری‌های گوناگون یا حوادث غیر مترقبه به اعضا یا تنسوج پیوندی نیاز دارند؛ عملی انسانی و خیر خواهانه که می‌تواند از فوت سالانه سه هزار نفر جلوگیری کند.

بر اساس اعلام انجمن اهدای عضو ایرانیان روزانه ۷ تا ۱۰ نفر به دلیل نبود عضو پیوندی جان می‌بازند، به عبارت ساده‌تر در هر دو یا سه ساعت یک نفر از هم‌وطنان ما به همین دلیل جان خود را از دست می‌دهد.

خاک‌سپاری ۶ هزار ارگان قابل اهدا در سال

به گفته کتابیون نجفی زاده، مدیر عامل انجمن اهدای عضو ایرانیان سالانه حدود ۶ تا ۷ هزار عضو قابل اهدای ارزشمند که نمی‌شود قیمت برای آن گذاشت، زیر خاک می‌رود.

بر اساس آمارهای ارائه شده توسط انجمن اهدای عضو ایرانیان، سالانه ۸ تا ۱۰ هزار نفر بر اثر مرگ مغزی فوت می‌کنند در حالی که اعضای بدن ۳ هزار نفر از آن‌ها قابل اهدا است. از این ۳ هزار نفر تنها ۱۰۰۰ نفر به اهدا می‌رسند و ۲

خاک‌سپاری ۶ هزار ارگان قابل اهدا در سال

به گفته کتابیون نجفی زاده، مدیر عامل انجمن اهدای عضو ایرانیان سالانه حدود ۶ تا ۷ هزار عضو قابل اهدای ارزشمند که نمی‌شود قیمت برای آن گذاشت، زیر خاک می‌رود.

بر اساس آمارهای ارائه شده توسط انجمن اهدای عضو ایرانیان، سالانه ۸ تا ۱۰ هزار نفر بر اثر مرگ مغزی فوت می‌کنند در حالی که اعضای بدن ۳ هزار نفر از آن‌ها قابل اهدا است. از این ۳ هزار نفر تنها ۱۰۰۰ نفر به اهدا می‌رسند و ۲

خاک‌سپاری ۶ هزار ارگان قابل اهدا در سال

به گفته کتابیون نجفی زاده، مدیر عامل انجمن اهدای عضو ایرانیان سالانه حدود ۶ تا ۷ هزار عضو قابل اهدای ارزشمند که نمی‌شود قیمت برای آن گذاشت، زیر خاک می‌رود.

بر اساس آمارهای ارائه شده توسط انجمن اهدای عضو ایرانیان، سالانه ۸ تا ۱۰ هزار نفر بر اثر مرگ مغزی فوت می‌کنند در حالی که اعضای بدن ۳ هزار نفر از آن‌ها قابل اهدا است. از این ۳ هزار نفر تنها ۱۰۰۰ نفر به اهدا می‌رسند و ۲

سالانه ۵ تا ۸ هزار نفر بر اثر مرگ مغزی فوت می‌کنند در حالی که اعضای بدن ۳ هزار نفر از آن‌ها قابل اهدا است. از این ۳ هزار نفر تنها ۱۰۰۰ نفر به اهدا می‌رسند و ۲ هزار نفر زیر خاک می‌روند. این ۲ هزار نفر حتی اگر سه ارگان را با خود زیر خاک ببرند، در پایان سال ۶ هزار ارگان خاک‌سپاری شده است

کریم نباید اعضای ارزشمند خود را به زیر خاک ببریم در حالی که بیماری‌های هستند که به دلیل نرسیدن همین اعضا فوت می‌کنند و همه ما دست به دست هم دهیم و فرهنگ‌سازی کنیم تا به روزی برسیم که هیچ بیمار نیامد پیوندی در لیست انتظار پیوند به دلیل نرسیدن عضو فوت نکند و امیدواریم هیچ کس مرگ مغزی نشود اما مرگ حق است و اگر کسی خدا این توفیق را به او داد که به طریق مرگ مغزی از دنیا برود اعضای ارزشمندش را با خود زیر خاک نبرد.

تنها ۱۰ درصد ایرانی ها کارت اهدای عضو دارند

یکی از راه‌های اعلام رضایت افراد؛ کارت اهدای عضو است. البته صرفاً داشتن کارت اهدای عضو به معنای این نیست که در صورت بروز حادثه بدون کسب رضایت از خانواده و اقوام در چه کار اهدا آغاز می‌شود. داشتن این کارت‌ها بیشتر جنبه فرهنگ‌سازی دارد و در صورت بروز حادثه برای هر اقدامی رضایت خانواده و نزدیکان شرط اصلی آغاز روند اهدا است.

باین حال گفته می‌شود در ایران تنها ۱۰ درصد بزرگسالان کارت اهدای عضو دارند. این در حالی است که بیش از یک سوم بزرگسالان در انگلیس و ۶۴ درصد در آمریکا دارای کارت اهدای عضو هستند. در آخرین آمارها اگر فرهنگ اهدای عضو در کشور نهادینه شود و خانواده‌ها بدانند با یک تصمیم خود می‌توانند چندین نفر را دوباره به زندگی بازگردانند، قطعاً در تصمیم‌گیری لحظه‌ای درنگ نمی‌کنند.

رأبین مردم نهادینه کنند. برای مثال اسپانیا توانسته با فرهنگ‌سازی رضایت ۹۱ درصد از خانواده‌ها را جهت اهدای عضو مرگ مغزی شده بگیرد. در این کشور زمان لازم برای رضایت دهی و جدا کردن اعضای بدن چیزی حدود ۳ تا ۵ دقیقه است. در ایران اما تنها ۳۰ درصد از مردم می‌دانند مرگ مغزی مساوی با مرگ است و زمان رضایت بین ۶ تا ۹۰ ساعت به طول می‌انجامد که در این زمان چند ارگان فاسد شده و عملاً به کار نمی‌آید.

در کنار نبود آموزش‌های لازم برای فرهنگ‌سازی اهدای عضو مشکل دیگری که نجفی زاده به آن اشاره می‌کند حرف‌های ضد فرهنگی در این رابطه است. او در همین رابطه گفت: ماه رمضان در برنامه‌های مکرر دیده شد که افراد می‌گفتند من مرگ مغزی بودم و دوباره زنده شدم، در نظر بگیرید فردی که اعضای عزیز خود را اهدا کرده است با شنیدن این عبارات چه حالی پیدا می‌کند؟ مدیر عامل انجمن اهدای عضو ایرانیان افزود: شاید با خود تصور کند که کاش من هم اعضای عزیز خودم را اهدا نمی‌کردم بلکه زنده می‌شدم. از سال ۱۹۶۴ که دانشگاه‌ها و مراکز تعریف مرگ مغزی را مطرح کردند حتی یک مورد مرگ مغزی نبوده که به زندگی برگردد و اشتباهی که مردم دارند تفاوت مرگ مغزی و کما است. باید بگویم به هیچ عنوان فرد پس از مرگ مغزی زنده نمی‌گردد.

نجفی زاده ادامه داد: از همه رسانه‌ها می‌خواهم که اطلاعات غلط به مردم ندهند و آن‌هایی که تیشه به ریشه نهال نوپای اهدای عضو کشور می‌زنند باید این تصور را داشته باشند که اگر عزیز آن‌ها نیازمند پیوند عضو باشد و عضو او نرسد و جان خود را از دست بدهد چه خواهند کرد؟

او ابراز امیدواری کرد به همکاری همه ارگان‌های فرهنگ‌ساز و همه مسئولان کاری کنیم که فرهنگ اهدای عضو در کشور نهادینه شود. همچنین باید در خانواده‌ها صحبت کنیم و نظر خردمان را اعلام کنیم که اگر مرگ مغزی شدید با ما چه کار کنند چون اگر خانواده‌ها ندانند ۴۸ درصد رضایت خود را اعلام می‌کنند اما اگر اطلاعاتی درباره اهدای عضو داشته باشند ۱۰۰ درصد رضایت خواهند داشت. باید با خانواده‌ها صحبت کرد که اگر ما به دلیل مرگ مغزی فوت



مضر موجود است که عامل انتقال بیش از ۱۱۸ نوع بیماری حاد است که سلامت انسان و محیط‌زیست را به شدت تهدید می‌کند. میکروب شیرابه‌ها ۴۰ هزار برابر زباله‌های معمولی است و یک لیتر شیرابه هزار لیتر آب را مسموم می‌کند. حال آبی را تصور کنید که از جاهای آلوده به شیرابه‌های زباله استخراج شده و به جز نیترات ناشی از فاضلاب، انواع آلاینده‌های شیرابه زباله شامل فلزات سنگین، میکروب و غیره را هم به همراه خود دارد. واقعاً در چنین شرایطی چه بر سر ساکنان تهران خواهد آمد؟

فاجعه محیط‌زیستی در کمین پایتخت نشینان؛ آب شرب با طعم زباله، هدیه شهردار به تهرانی‌ها

باورند که در صورت ایجاد سایت زباله در این منطقه، بدون شک شیرابه‌های این سایت به داخل زمین نفوذ کرده و آبخوان تهران را آلوده می‌کند. موضوع وقتی حساس تر می‌شود که بدانیم دست کم ۳۰ درصد آب شرب تهران در سال‌های نرمال و نه سال خشکی مانند امسال از منابع آب زیرزمینی تأمین می‌شود. آب زیرزمینی بدون هیچ تصفیه خاصی از زیرزمین برداشت شده و پس از طی فرایند کلرزنی، وارد مدار مصرف می‌شود. پس در صورت اجرایی شدن تصمیم شهردار تهران، احتمالاً از این پس شهروندان پایتخت، آب با طعم زباله خواهند نوشید.

منابع طبیعی مجوزی صادر نکرده است
اگر چه در درخواست اولیه برای انتقال این سایت زباله، بر لزوم کسب مجوز از منابع طبیعی تأکید شده است اما رضا بیانی مدیر کل منابع طبیعی استان تهران تأکید کرد: «ما چنین مجوزی برای انتقال سایت زباله صادر نکرده‌ایم. این سایت داخل محدوده شهر است و داخل محدوده بودن یعنی با وزارت راه و شهرسازی و یا شهرداری باید برای این اقدام مجوز صادر کند. بحثی که وجود دارد، این است که اینجا حوضه آبخیز سوهانک است. میزان خط‌برف و بارندگی در این

جدیدترین دست‌پخت شهردار تهران برای این کلان‌شهر، تصمیمی است که به شدت بر سلامت منابع آب زیرزمینی پایتخت تأثیر خواهد داشت. شهردار انقلابی شهر تهران در اقدامی عجیب برخلاف منویات صریح مقام معظم رهبری که اراضی یاس را با اهداف توسعه فضای سبز به شهر تهران هدیه کرده است، قصد دارد سایت زباله‌ای در کارخانه آسفالت مترو که در مجاورت اراضی معروف به ۵۴ هکتاری سوهانک راه‌اندازی کند.

در همین راستا برخی خبرگزاری‌ها ضمن اشاره به احتمال آلودگی آب شرب تهران، نسبت به پیامدهای خطرناک یک فاجعه محیط‌زیستی هشدار دادند.

تأمین آب شرب تهرانی‌ها از منابع زیرزمینی

به گزارش انتخاب، گویا به پیشنهاد شهردار منطقه یک، قرار است سایت آب‌گیری میانی پسماند خانگی اوشان به اراضی سوهانک منتقل شود. در حالی چنین تصمیمی از سوی شهرداری گرفته شده است که این اراضی یکی از سرمنشأ‌های اصلی آبخوان تهران است و ۱۰ درصد آب موجود در آبخوان تهران از این سرشاخه تغذیه می‌شود. کارشناسان بر این

منطقه بالاست. هر سایت زباله‌ای اگر برای این منطقه مطرح شود، شیرابه‌های آن وارد آب‌رفت تهران شده و در نهایت به دشت منتقل می‌شود. در نتیجه جاه‌های این قسمت به خصوص جنوب البرز، آلوده می‌شود. او همچنین گفت: دستوری که مقام معظم رهبری داده است، این است که هیچ ساخت و سازی در جنوب البرز نداشته باشیم. من فکر می‌کنم این تصمیم برخلاف آن دستور باشد. دستور العمل به این صورت است که در جنوب البرز باید در رابطه با تقویت پوشش گیاهی تلاش بکنیم نه اینکه از این دست سایت‌ها ایجاد کنیم. به گفته بیانی آبخوان از وظایف سازمان حفاظت محیط‌زیست است اما منابع طبیعی از منظر حفاظت از جنگل‌های منطقه می‌تواند به مسئله ایجاد سایت زباله ورود کند زیرا این قطعه در محدوده پارک جنگلی سوهانک است و هنوز اجازه مدیریت پارک جنگلی سوهانک انجام نشده است. ما با این قضیه کاملاً مخالف هستیم و جلوی آن را خواهیم گرفت.

چه بر سر تهرانی‌ها می‌آید؟
اویس ترابی، رئیس اندیشکده زیست‌پذیری شهری درباره تبعات تغییر مکان سایت دفن زباله بیان کرد: اراضی سوهانک سرمنشأ یکی

وزارت بهداشت گفت: طی سال جاری و تاکنون ۱۳ نفر در کشور به تب کریمه کنگو مبتلا شدند که متأسفانه یک نفر نیز جان خود را از دست داده است. به گزارش ایسنا، دکتر بهزاد امیری بیان کرد: چنانچه دام توسط انسان بدون رعایت نکات بهداشتی و بدون استفاده از وسایل حفاظت فردی ذبح شود در معرض خون و ترشحات دام آلوده قرار گیرد احتمال انتقال بیماری به انسان وجود دارد.

در گفتگو با ایلمنا مطرح شد:

دلایل طغیان اسهال و ویروسی در ایران

یک فلوشیپ عفونی ریشه طغیان برخی از بیماری‌های ویروسی در زمان آرمش کرونا را کاهش سطح یعنی جامعه‌طی دوسال خاننشینی دانست.

«هر الطحیان» در گفت‌وگو با ایلمنا، با اشاره به طغیان اسهال ویروسی در برخی مناطق کشور اظهار کرد: نخست باید ببینیم که علت این ویروس چیست؟ در حال حاضر اتیومولوزی ویروس مشخص نیست. با این حال همیشه در پی شیوع فصل‌گرما بیماری اسهال هم در کشور شایع می‌شود که علت آن معمولاً ویروس هاستند.

وی افزود: بیماری‌های اسهالی معمولاً از طریق آب و غذای آلوده منتقل می‌شوند، با این حال اگر مسائل بهداشتی به ویژه بهداشت غذایی رعایت شود، عموماً مشکلی به وجود نمی‌آید.